

پیشنهاد ترجمه

بالکان در جست و جوی مار کز خود

آرش عزیزی

■ این کتاب دو هفته قبل برنده جایزه اورنج، از معتبر ترین جوایز ادبی بریتانیا شد که هر ساله به یک نویسنده زن به‌خاطر رمان بلندی که در سال گذشته به انگلیسی نوشته‌ شده، تعلق می‌گیرد.

تضاد تلخ و شیرین بعضی سرزمین‌ها این است که چنان سرشار از رویدادهای تاریخی و در عین حال آشوب‌های خائنانه‌سوز هستند که بهترین سوزه در برانگیختن آثار خلاقانه و هنری هستند. اگر منطقه ما، خاورمیانه، از دیرباز یکی از اینها بوده باشد، بی‌شک شبهه‌جزیره بالکان در جنوب شرقی اروپا یکی دیگر از این نمونه‌هاست. چرچیل چیزی می‌دانست که دولت سرستان نشان می‌دهد اوضاع نسبت به آن روزهای خونین چقدر تغییر کرده و متفاوت است. امروز کشورهای بالکان شاید نتکه‌که شده باشند اما همه در صف پیوستن به سازمانی هستند که هدفش ادغام بیشتر کل اروپاست. اتحادیه اروپا، در میان این اوضاع متفاوت با بسیاری از مردم چه در بالکان و چه بیرون آن، ناباورانه به گذشته‌نگاه می‌کنند و آن روزهای خون‌آلود را با نگاهی محو به خاطر می‌آورند، گرچه زخم‌های آن استحاله تاریخی آنقدر تازه‌است که شور و درد بیافزیند. نقطه قوت رمان تنا اوپرت ۲۵ ساله که قلب منتقدان ادبی در سراسر جهان را بروده، همین است که از قلب بالکان می‌آید و می‌تواند بر قلب ما در این سوی جهان بنشیند. او سال‌ها از کشورش دور بوده و نگاهش به آن محو و مه‌آلود است اما خواندن کتاب به خواننده امید می‌دهد که شاید در دل همین مه، به حقیقت دست یابد. جوان‌ترین برنده جایزه اورنج متولد بلغراد است، پایتخت امروزی صربستان که در آن زمان پایتخت یوگسلاوی متحدی بود دور از بالکان پرآشوب بیشتر روزهایی که «زن ببر» در آن می‌گذرد، او کودکی‌اش را در آن شهر گذراند و با مادر و مادر بزرگ و پدر بزرگ مادریش بزرگ شد. مادر بزرگش سنتی بود و بر از نصیحت‌های خرافی که به گوش خواننده ایرانی ناآشنا نخواهد بود: برای کسی کیف پول خالی کلد نبر، قبل از سفر به فقرا کمک کن، هنگام خواب کنار سرت قیچی بگذار تا شیطان را دفع کنی.

تنا البته در کودکی کشورش را به مقصد مصر، قبرس و در نهایت آمریکا ترک کرد اما تأثیرات قیصرس و در برابرش ایمن آخر حس شود. «زن ببر» اما چیزی بسیار بیشتر از خاطرات سانتی‌مانتال دختری جوان در مورد سرزمین آبا و اجدادی‌اش است. قهرمان داستان، ناتالی استفانویچ، پزشکی جوان در کشوری بدون نام در منطقه‌ای است که تعامل‌های او در ارتباط با خانواده‌اش و کشورش داستان را می‌سازد. او همه مثل تنا با پدر بزرگ و مادر بزرگش زندگی می‌کند. تصویر او اما تصویر شرق گرایانه دختری عاشق همه چیزهای سنتی و قدیمی نیست. بر عکس منطقی‌تر از آن است که تن به خرافات‌های قدیمی بدهد و مدرن‌تر از آنکه با موسیقی فولکلور مسن ترها همراز شود. ترجیح می‌دهد بروس اسپرینگستین و باب دیلان و جانی کش گوش دهد. در هیچ کجای کتاب صحبتی مشخص از جنگ‌های خونین دهه ۱۹۹۰ نمی‌شود. لازم نیست نام قتل عام‌های برکو و سربرنیکا یا بمباران صف نان در سارایوو یا نابودی پل ۴۰۰ ساله موستار ذکر شود. نه، اوپرت راه دیگری برای رساندن حقیقت تاریخ به خواننده دارد. یکی از قهرمانان اوپرت، گابریل گاریسما مار کز است و پریوره نیست که بگوییم با کتاب او بالکان، مار کز جوان خودش را پیدا کرده است. «زن ببر» شاید در قرن بیست‌ویکم بگذرد و هر لحظه روایت گفت‌وگوی دخترکی با مادر بزرگش باشد، اما رئالیسم جادویی مارکزی به اوپرت امکان داده داستان بالکان را در طول نیم‌قرن از دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۹۰ بازگو کند. مثل تابله‌های نقاشی‌ عریض و شلوفی که صحنه‌های زنده انسانی را تصویر می‌کنند، در زمان او شخصیت‌ها فرای زمان می‌آیند و می‌روند و آن پیش‌زمینه غنی که ثابت است و همه چیز بر آن تصویر می‌شود، بالکان است. نتیجه اما همان‌قدر اصیل است که مفرح و همان‌قدر خواندنی که هراس‌آور. با خواندن «زن ببر» احساس می‌کنیم که هم منطقه را هزار بار بهتر شناخته‌ایم، هم هر از چند گاهی لبخندی روی لبان‌مان می‌نشیند و هم گاه‌مور تن‌مان سیخ می‌شود. اوپرت در مصاحبه‌ها گفته بود اصلا انتظار فتح اورنج را نداشته و احساس می‌کند «از نظر کارمایی» لایق آن نیست، یعنی آنقدر کار خوب نکرده که شایسته چنین پاداشی باشد. گفتنی‌ای که بوی همان خرافات مادر بزرگش را می‌دهد اما مصنوعی و قلابی به نظر نمی‌رسد؛ چراکه خود او نیز مثل کتاب هم واقعی است و هم افسانه‌ای.

«فکر کردن آرزومندانه را تمرین کن»

دیوار نوشته‌های می‌۶۸ در ششم می، هنگامی هشت نفر از دانشجویان در میان اسکورت پلیس، در حالی که سرودانترناسیونال می‌خواندند، روانه کمیته انضباطی می‌شدند، همزمان دوستان‌شان در خیابان‌های پلیس، همراه با سارتر، دوبوار و فوکو، به سوی ایشان می‌شتافتند و با این شعار که «به سنگ فرش خیابان بگو دوست دارم»، متهای بادی کارگران شهرداری را یگانه ابزار به دست آوردن معشوقه‌شان آسنگ فرش خیابان اعلام می‌کردند چنین بود که ششم می در تاریخ جنبش‌های اجتماعی جهان زنده ماند و «دوشنبه خونین» نام گرفت؛ تا آن حد که سار کوزی ۴۲ سال پس از آن رخداد، در نطق‌های انتخاباتی‌اش برای اثبات اینکه یک راست صمدیق و مر تجع است، وظیفه و رسالت بزرگ خود را «وا داشتن فرانسه به چیره شدن بر خاطره می‌۶۸ و به فراموشی سپردن آن» عنوان کند. همچنین ۶۸» همچنان فرز از پاریس سرگردان است و شاید ساده‌ترین دلیلش به قول دلوژ و گناری آن است که اساسا «رخ نداده است». یا آن‌طور که پری اندرسون می‌گوید: «به صورت مستمر شکست خورده است» به این اعتبار باید گفت: ۶۸»اینگ به دو شکل همچنان به حیات خوش ادامه می‌دهد: «کلبوس» برای سیستم و «رویا»یی برای دانشجویان. رویایی که بسر آن بود که یگانه راه «واقع بین» بودن، طلب امر محال است. کتاب می‌۶۸ در فرانسه مجموعه مقالاتی است از ژیل دلوژ، میشل لووی، ارنست مندل، به همراه مصاحبه‌هایی با آلن بدیو و کوهن بندیت، رهبر و نماد آن سال‌های شورش ۶۸ فرانسه که توسط سمیرا رشیدپور و محمدمهدی اردبیلی از س‌وی انتشارات (رخ داد نو) به تازگی روانه بازار شده است. کتاب از ترجمه سلیس و روانی برخوردار است و انتخاب مقاله‌ها بر مبنای خاصی نبوده، کما اینکه به قول مترجمانش انتخاب این آثار می‌توانست مقالات دیگری را در کنار هم قرار دهد، اما آنچه باعث شد تا این مقالات کنار یکدیگر تشکیل کتاب می‌۶۸ در فرانسه را بدهند دو عامل در تمامی این مقالات است: «شکست» و «سیاست». وقتی به سراغ شورش‌های سال‌های ۱۹۶۰ می‌رویم- بی‌اختیار تحولات می‌۶۸ پاریس چنان ما را به خود مشغول می‌کند که دیگر عقب یا جلوتر را نمی‌بینیم. هرچند که یک ماه قبل از می، در آمریکا جنبش سیاه پوستان با مرگ رهبر خود مار تین لوتر کینگ راهگشای حرکت آنارشیستی دانشجویان فرانسه است، هرچند که اعتصابات گسترده کارگری از اوایل سال ۶۸ در فرانسه فراگیر شده و برای خروج از نقطه به بن بست رسیده خود نیاز به موج جدیدی از اعتراض‌دارد، هرچند که در بلوک شرق اروپا حرکت‌های دانشجویان بر علیه

نگاهی به مجموعه داستان «دنیا در آغوش من است»

داستان جزئیات

بهاالدین مرشدی

نشر افکار این روزها انتشار مجموعه‌ای را به نام «قصه نو» آغاز کرده که در این مجموعه‌ها به انتشار داستان کوتاه و رمان پرداخته است. تاکنون پنج کتاب از این مجموعه چاپ شده و کتاب‌های دیگری نیز در راه است.

مجموعه داستان «دنیا در آغوش من است» نوشته «میثم نبی» چهارمین مجموعه از این سری کتاب است. این مجموعه شامل هفت داستان است که تقریباً با کمی اختلاف، همه داستان‌ها از یک سبک پیروی می‌کنند و فراز و فرود تکنیکی و ساختاری یا سبکی در آنها دیده نمی‌شود. در واقع مجموعه‌ای یک دست از نوع داستان نویسی رئالیسم جزنگارانه.

در این نوع داستان‌ها ما با ماجراهایی واقعی سروکار داریم که این واقعیت‌های روزمره به صورت جزئی دیدن و موشکافانه بررسی کردن لحظات، رفتار و حالات بیان می‌شوند چیزی که در این سبک بیش از همه خودش را نشان می‌دهد، واقعیت مستندی است که نویسنده به آن تکیه کرده و علاقه نشان می‌دهد. شاید زمان زیادی از تاریخ این نوع داستان‌ها بگذرد اما هستند نویسندگان بسیاری که همچنان از این نوع سبک برای نوشتن‌شان استفاده می‌کنند.

اما این نوع نوشته حسن‌ها و معایب خودش را دارد. «میثم نبی» در این مجموعه داستان روایت‌های سر راستی انتخاب کرده است و آنها را روایت می‌کند. این نوع روایتگری به خواننده این امکان را می‌دهد که ریز احوالات، تفکرها و مکان‌هایی که در داستان جریان دارد را به خوبی درک کند.

یعنی تصویری تمام‌نما از یک رویداد نشان داده می‌شود. برای مثال به کل کتاب می‌توان رفتن داد، بنابراین یک بخش از داستان «دنیا در آغوش من است» را می‌آورم.

«خمیارهای کشید و با موهایی ژولیده و سیخ سیخ بلند شد و رفت سمت ساک‌ها، زپ ساک مست چچی را باز کرد. حوله ای رنگش را از توی آن در آورد و رفت سمت حمام. اول دوش گرفت و بعد در حال آواز خواندن رفت جلو آینه و تیغ را روی صورتی که حالا با خمیر ریش سفید شده بود، سراند. بخار آینه درون حمام را دوباره پاک کرد و خیره شد.

فرش ریش، صورتش را مثل صورت پیرمردهایی که ریش سفیدی به نرمی پشمک داشتند، کرده بود. ابروها را هم که سفید کرده، درست شد شبیه همان.» (ص ۴۸)

در این تکه از داستان تمام کارهایی که هر کس می‌تواند انجام دهد، دقیق توضیح داده می‌شود. البته در یک تعریف می‌شود گفت این رسالت یک داستان است. داستان با وجود ژانری مثل نمایشنامه، ژانری توصیفی است. این شاید مهم‌ترین وجه تمایز داستان و نمایشنامه باشد. داستان برای شما توضیح خواهد کرد اما نمایشنامه به شما «نشان» خواهد داد.

شاید در این قسمت «میثم نبی» در این داستان‌ها این رسالت داستان نویسی را به خوبی انجام داده است. داستان‌هایی توصیفی با رنگ‌مایه‌ای رئالیستی و جزءنگارانه که به همه احوالات یک شخصیت یا مکان و… توجه نشان می‌دهد.

اما نکته‌ای که در این جزءنگاری از بین رفته و پوشیده مانده، شاید حضور اتفاق در داستان است. در این داستان‌ها

ورای اصل دانشجو

کاوه شفیایی



عکس: پیونگ یوک ییل

دولت‌ها چونان موج‌های کوچک تحریکات اولیه برای به وجود آمدن قابله می‌۶۸ است، اما می‌۶۸ تحول دیگری به‌وجود می‌آورد و فصل الخطاب جدیدی را در مناسبات اعتراضی جهان رقم می‌زند. می‌۶۸ پیروز نمی‌شود: همه سر کار خود برمی‌گردند: کار گرها، دانشجویان، مردم شهر نانت و حتی دوکل که باز پشت میز ریاست‌جمهوری‌اش می‌نشینند اما این بار همه

چیز رنگ عوض می‌کنند: سنت‌های بسته خانوادگی تحت تأثیر این اعتراضات دانشجویی سعی می‌کند تا مدرنیته را به داخل محیط خانه بیاورد، دولت سعی می‌کند کارگران را راضی نگه دارد. میشل لووی نیز مکتب‌رمانتیسم را عامل اصلی تفکر آن روز جوانان فرانسه می‌داند و سه



کتاب می‌۶۸ در فرانسه
ژیل دلوژ، میشل لووی و...
ترجمه: سمیرا رشیدپور و محمدمهدی اردبیلی
ناشر: رخداد نو
چاپ اول: ۱۳۹۰

مروری بر رمان «چه کسی از دیوانه‌ها نمی‌ترسد؟»

دیوانه‌های بی حصار

سروش علیزاده

شورش‌ها را عبت و از سر شور جوانی می‌دانست، رومن گاری و آندره مالرو در این سوی میدان از پشت ژنرال دوگل سربرمی‌آزند و گاری سخنگوی هیات نمایندگان فرانسوی سازمان ملل می‌شود و تا آخر عمر رهبرش را به وی وفادار می‌ماند و مالرو از مشاور فنی تا وزیر اطلاعات تا وزیر امور فرهنگی با دوکل می‌ماند البته در این سوی میدان نباید از جمعیت شگرفی غافل شد که از مارکوزه گرفته تا سارتر تا گدار و بسیاری دیگر در سمت دانشجویان و کارگران هستند. به راستی آیا باید ریشه‌های شکست می‌۶۸ را در فرد و حزب دید؟ آیا اگر فقط یک کمیته مشترک بین کارگران و دانشجویان ایجاد شده بود، این شورش بدل به انقلاب و در نهایت فروپاشی دولت دوکل نمی‌شد؟ آیا اگر رهبران چپ در آن دوره رهبری واحد و منسجمی داشتند که همه بر سرش به توافق رسیده بودند، آیا باز دوکل جرات برگشت به کشور را از بادن بادن داشت؟ آیا‌های بسیاری را می‌توان ردیف کرد، اما باید یک نکته مهم را در نظر گرفت و آن اینکه جنبش می‌۶۸ اگر شکست خورد ولی درس‌های بسیاری به آیندگان داد و اگر چه هرگز تکرار نخواهد شد ولی تحولات بسیاری که در دههای بعد در دنیا شکل گرفت را متأثر از خود ساخت. می‌۶۸ رخدادی بود که رخدادهای قبل از خود از انقلابی که مسیحیا هنوز در همان جایی هستیم که ۴۰ سال پیش بودیم؛ چراکه شرایط فعلی حاکم بر جهان و ناکام ماندن تمام مبارزات ضد سرمایه‌داری در چهل سال گذشته این ادعا را ثابت می‌کند. کوهن بندیت که سمبل دانشجویان معترض در وقایع می‌۶۸ بود، بعدها درخصوص این شکست نوشت: «شنایه ما در این بود که به سهولت و ضرورت اشغال مراکز کلیدی دولتی بی نبردیم.»و شاید از همین‌رو هم بود که بعدها، راه درست را در کار جزیی پارلمان تاریستی در قالب «سبزه‌ها» یافت و به عنوان نماینده پارلمان کوشید، رویای اشغال مراکز دولتی را به گونه‌ای مسالمت‌آمیز از طریق کنویدیا شدن در یک تورنمنت سیاسی تحقق بخشد و با اعلام اینکه «من دیگر علیه دولت نمی‌جنگم و حالا خودم جزیی از دولت هستم» آهنگ معروف «جنگجوی خیابان» رولینگ استیونز را که با الهام از شخصیت او به هنگام شورش ساخته شد، نامودا گاه حافظه تاریخی تبعید کند. اگر به قول آدورنو «فلسفه بعد از تز بادم هر ماکس درباره فوئرباخ که به گونه‌ای پایانش را به دلیل عدم توانایی‌اش در «تغییر جهان» اعلام کرده بود، محکوم به تداوم شد تا این رسالت ابدی برگشتن از تناقض ابدی «توصیف-تغییر» را بر دوش بکشد»، «جنبش دانشجویی» نیز تداوم یافت تا بتواند رسالت تمام زیستن «فرای اصل دانشجو» را به سرانجامی برساند.

روزانه‌های شکیا جلددار شدن

■ «صفحه آخر ۱» و «دو تخم‌مرغ» که توسط نشر کتاب نیستان منتشر شده است عنوان دو کتابی است که شهرام شکیا برای دو مجموعه از طنزهای خود بر گزیده است. اولین کتاب شکیا طنزهای روزانه در روزنامه خبر است. مطالب این کتاب تقریباً در بر گیرنده ستون روزانه شکیا در روزنامه خبر که از استفاده سال ۱۳۸۷ تا تیرماه سال



صفحه آخر ۱
طنزهای روزنامه خبر
شهرام شکیا
ناشر: کتاب نیستان
چاپ اول: ۱۳۹۰
قیمت ۷۵۰ تومان

۱۳۸۸ است. شکیا در مقدمه کتاب از تمام کسانی سوزه طنز او بوده‌اند و با معصفر پذیرفته‌اند. کتاب دوم شکیا با عنوان «دو تخم‌مرغ» طنزهای سبسنجایی اوست که به مناسبت جشنواره فیلم فجر در روزنامه خبر منتشر کرده است. این مجموعه ۱۲ طنز است که درباره ۱۲ فیلم با حال و هوای آن فیلم‌نامه‌ها منتشر شده است. این نوشته روزانه در طول جشنواره فیلم فجر در وب‌زنامه روزنامه خبر منتشر شده است. در بیشتر نوشته‌ها چنانکه شکیا در مقدمه نوشته است، ایده خرید دو تخم‌مرغ از یک مغازه شکل دهنده مطلب بوده است. یک سوزه کلی انتخاب کرده بودم، خرید دو تخم‌مرغ از یک مغازه، البته بر حسب سبک و شیوه و وجه قالب صوری و معنوی آثار کارگردان مورد نظر، فضا متغیر است. قالب قرار است فیلم‌نامه باشد، اما گاه به فراخو موضوع، درباره میزانشن یا وضعیت نماها هم چیزهایی نوشته‌ام و گاه اساساً وارد ماجراهای دیگری شده‌ام.



دو تخم‌مرغ
طنزهای سبسنجایی
شهرام شکیا
ناشر: کتاب نیستان
چاپ اول: ۱۳۹۰
قیمت: ۲۳۰۰ تومان

خبر

جایزه صلح برای طاهربن جلون

■ اینبا: «طاهربن جلون» نویسنده مراکشی و یکی از برجسته‌ترین نمایندگان ادبیات فرانسوی زبان جایزه صلح «ریش ماریا ریمارکو» سال ۲۰۱۱ شهر «اوسنابروک» آلمان به ارزش ۲۵ هزار یورو را کسب کرد. پروفیسور کلاوس رولینگر، رئیس دانشگاه «اوسنابروک» اعلام کرد: اثر این نویسنده متولد سال ۱۹۴۴ در تصویری از شکیبایی و یکپارچگی قرار دارد. همچنین تازه‌ترین اثر او با نام «پهار عربی» به دلائل و پیامدهای جنبش‌های آزادی‌خواهانه می‌پردازد. شهر اوسنابروک از سال ۱۹۹۱ هر دو سال یکبار جایزه صلح خود را برای یادآوری اقدامات صلح‌طلبانه «ریش ماریا ریمارکو» اهدا می‌کند. «ریمارکو» نویسنده آلمانی در ۱۸۹۸ در اوسنابروک دیده به جهان گشود و با رمان ضد جنگی «در غرب هیچ چیز تازه‌ای نیست» به موفقیت جهانی دست یافت.

عطف کتاب

پیشکش به جاودانگی



زبان عکس
رابرت اکرث
ترجمه: اسماعیل عباسی، محسن بابایم‌آزاد
ناشر: حرفه هنرمند چاپ
چاپ اول: ۱۳۹۰

■ عکس با ما سخن می‌گوید. ما نیز می‌توانیم از زبان عکس سخن بگوییم. البته نه این معنا که به جای حرفی که می‌خواهیم بیان کنیم از عکسی بهره بگیریم که منظور ما را به شکلی رسا ترسیم کند، بلکه به این معنا که عکسی را تفسیر کنیم. درباره آن بنویسیم و ذهنیت خودمان را درباره عکس بیان کنیم. کتاب «زبان عکس» با عنوان فرعی «عکس چگونه از ماجراها و روابط پرده بر می‌دارد» کتابی است درباره همین کار، یعنی، نوشتن درباره عکس. نویسنده کتاب، رابرت اکرث با انتخاب تصویر متعدد که برخی از آنها عکس‌های به یادماندنی تاریخی هستند و برخی حتی برگرفته از یک آلبوم خانوادگی، کوشیده شیوه تحلیل عکس را توضیح دهد. برای مثال در یک صفحه، دو تصویر از مائری با فرزندش که در یکی فرزند در سنین خردسالی است و در دیگری فرزند خود مردی میاسال است آورده شده، اکرث درباره این تصویر شرحی آورده است. البته در این کتاب چنان معروف میدان تیان‌آن‌من نیز شرحی نوشته شده است. در مقدمه نویسنده نوشته است: «فضیه بسیار ساده است؛ در بیشتر عکس‌ها نکت بسیاری – بیش از آنچه دیده می‌شود – وجود دارد و این «بیش» شگفت‌انگیز است. با تخلیل سیال و نگاهی موشکافانه که عکس متوجه نکاتی خواهیم شد؛ نکاتی در عکس‌های بی‌پیدگی روابط، نکاتی درباره خواسته‌ها و رویکردهای شخصی؛ نکاتی درباره اینکه زندگی چگونه دگرگون می‌شود و چگونه بی‌تغییر می‌ماند؛ اینکه زمان و مکان چگونه زندگی را شکل می‌دهد.» نویسنده کتاب می‌کوشد با بیان سه روایت، یعنی روایتی عکس ارایه می‌کند، روایتی که وحش جوش عکس وجود دارد و روایتی که ذهنیت ما به عکس تحمیل می‌کند به کشف حقیقت یک عکس نایل شود.